

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی

سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی (۷)، بهار ۱۳۹۰

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۵

صص ۵۴-۳۹

بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته

شده در بورس اوراق بهادار تهران

داریوش دموری^{۱*}، زهره عارف منش^{۲*}، خلیل عباسی موصول^{۳***}

* استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری - دانشگاه یزد

** عضو هیأت علمی دانشگاه یزد- گروه حسابداری

*** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه بین ارزش شرکت با هموارسازی سود و کیفیت سود گزارش شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ می‌پردازد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا صرفاً هموارسازی سود باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود و یا اینکه هموارسازان سود همزمان باید کیفیت سود گزارش شده را نیز در نظر بگیرند؟ بدین منظور، شرکت‌های نمونه با استفاده از روش ایکل به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز تفکیک می‌شوند. سپس با به کارگیری روش اسلون به دو گروه با کیفیت سود و بدون کیفیت و در نهایت، به چهار گروه شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت، غیر هموارساز سود با کیفیت، هموارساز سود بدون کیفیت و غیر هموارساز سود بدون کیفیت تقسیم می‌شوند و رابطه قیمت سهام با هموارسازی سود و کیفیت سود در دو سطح سود و تغییرات سود آزمون می‌گردد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد

سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت بالاترین ارزش و برای شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت کمترین ارزش را قائل هستند.

واژه‌های کلیدی: ارزش شرکت، مدیریت سود، هموارسازی سود، کیفیت سود

مقدمه

یکی از اهداف گزارشگری حسابداری، ارائه اطلاعات مفید در مورد عملکرد مالی واحد تجاری برای طیف گسترده‌ای از استفاده‌کنندگان است. صورت سود و زیان، یکی از صورت‌های مالی اساسی است که این هدف را برآورده می‌سازد. محصول صورت سود و زیان، سود خالص است و یکی از اطلاعات مالی بسیار مهمی است که توسط سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی استفاده می‌گردد. عده‌ای معتقدند که سرمایه‌گذاران برای شرکت‌هایی که دارای سود ثابت و پایدار هستند، ارزش بیشتری قائل می‌شوند، در نتیجه ممکن است مدیران برای افزایش قیمت سهام شرکت خود به مدیریت سود روی آورند. با توجه به اهمیت سود گزارش شده، بر تصمیمات اقتصادی و تخصیص منابع کمیاب، مدیریت سود و کیفیت سود گزارش شده، موضوع بسیاری از تحقیقات حسابداری در طول سه دهه گذشته بوده است. از نظر هیلی و وهلن (۱۹۹۹) مدیریت سود، استفاده مدیریت از قضاوت در گزارش دهی مالی و ساختار بندی معاملات، برای اصلاح و تغییر گزارشگری مالی است تا استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نکند و یا بر نتایج معاملاتی که به ارقام حسابداری مثل سود بستگی دارد، تاثیر گذارد [۱۹].

یکی از اشکال مدیریت سود، هموارسازی سود است که توجه زیادی را در ادبیات حسابداری به خود جلب کرده است. فرضیه هموارسازی سود پیشنهاد می‌کند که سود برای کاهش نوسان‌های آن حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه دستکاری می‌شود [۲۳] و مدیران در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از سیاستها و روش‌هایی استفاده می‌کنند که واریانس سود گزارش شده را کاهش دهند [۲۹]. دیکو و اسکینر (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که مدیریت سود به انگیزه مدیریت مربوط می‌شود و انگیزه مدیریت بیشتر با عملکرد سهام مرتبط است. بنابراین، اگر در تحقیقات هموارسازی سود تاکید بر ارزش شرکت باشد، تحقیق سودمندتر خواهد بود.

به عقیده بائو و بائو (۲۰۰۴) هموارسازی سود تنها باعث افزایش ارزش شرکت نمی‌شود، بلکه هموارسازان سود باید همزمان به کیفیت سود نیز بیندیشند [۲۱]. کیفیت سود یک معیار مهم برای بررسی سلامت مالی واحد تجاری است [۱۳] و مفهومی است که به طور گسترده و بدون تعریف واحدی از آن استفاده می‌شود. کیفیت سود، ثبات، پایداری و نوسان ناپذیری سود گزارش شده را نشان می‌دهد. مک نیکلز (۲۰۰۲) کیفیت سود را به سه دسته تقسیم نمود: پایداری سود، سطوح ارقام تعهدی و سودی که منعکس کننده معاملات اقتصادی مربوط است. پایداری سود به معنای تکرار پذیری (استمرار)

سود جاری است. هرچه پایداری سود بیشتر باشد؛ یعنی شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود کیفیت سود شرکت بالاتر است. وی بیان کرد که از مجموعه سه تعریف، امکان آزمون تجربی طبقه بندی اول و دوم وجود دارد و معیار سوم تنها یک تعریف تئوریکی است [۲].

اسکیر و وینسنت (۲۰۰۳) معیارهای کیفیت سود را به مفید بودن در تصمیم‌گیری و تعریف اقتصادی سود مرتبط کردند [۲۵]. بال و شیواکومار (۲۰۰۴) معتقدند در صورتی که سود کمتر مدیریت شود و زیان بموقع شناسایی شود، کیفیت سود بیشتر است [۱۰]. بیور (۲۰۰۲) استدلال کرد که هر شکلی از مدیریت سود می‌تواند کیفیت سود را بهبود بخشد و یا آن را کاهش دهد. هموارسازی سود واریانس سود گزارش شده را کاهش می‌دهد، ولی حتماً کیفیت بالای سود را تضمین نمی‌کند. بنابراین، اگر سود هموار شده کیفیت بالایی داشته باشد، هموارسازی به ارزش بالاتر شرکت منجر می‌شود و اگر سود گزارش شده کیفیت پایینی داشته باشد، سود هموار شده ارزش کمتری خواهد داشت [۱۲].

این مقاله به بررسی رابطه هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ می‌پردازد. در ادامه، پیشینه‌ای از تحقیقات قبلی بیان می‌شود، سپس فرضیه‌ها و روش تحقیق و نهایتاً نتایج و یافته‌های تحقیق تحلیل و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

چنی و جیتر (۱۹۹۷) نشان دادند که شرکت‌های هموارساز بازده بالاتری دارند [۱۵]. نتایج تحقیق

توماس و ژانگ (۲۰۰۲) نشان داد شرکت‌هایی که تغییر پذیری سود گزارش شده آنها کمتر است، ارزش سهام آنها بیشتر است [۲۷]. بریکر و دیگران (۱۹۹۵) شواهدی را فراهم کردند که نشان می‌داد به عقیده تحلیلگران شرکت‌هایی که از تغییرات منفی سود اجتناب می‌کنند، دارای کیفیت سود بالاتری هستند [۲۸]. نتایج تحقیق بانو و بانو (۲۰۰۴) نشان داد شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت بیشترین ارزش و شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت، کمترین ارزش را در بورس اوراق بهادار به خود اختصاص دادند [۱۱]. نتایج تحقیق کرسچنیتز و ملومد (۲۰۰۴) نیز نشان می‌دهد که سود گزارش شده هموارتر و تغییرات مثبت سود به کیفیت بالاتر سود مربوط می‌شود [۲۲]. دکو و اسکرند (۲۰۰۴) بیان کردند کاهش رابطه بین بازده سهام و سود را می‌توان نشان دهنده کاهش کیفیت سود دانست [۱۶].

چان و دیگران (۲۰۰۶) رابطه بین اقلام تعهدی و بازده آتی سهام را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد شرکت‌هایی که کیفیت سود پایینی دارند، بازده سهام آنها در دوره بعد از گزارشگری سود کاهش می‌یابد [۱۴]. رونتری و دیگران (۲۰۰۸) نشان دادند که هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی حسابداری باعث افزایش ارزش شرکت نمی‌شود [۲۴]. ده‌البوال و ژالو (۲۰۰۸) دریافتند زمانی که کیفیت سود افزایش می‌یابد، هم‌زمان با افزایش تغییرات سود نقدی کمتر می‌شود. به عبارت دیگر، در ارزش‌گذاری شرکت توسط سرمایه‌گذاران کیفیت سود عامل مهمی است که بر محتوای اطلاعاتی سود نقدی تأثیر می‌گذارد [۱۷].

هانگ و دیگران (۲۰۰۹) اثر بالقوه هموارسازی مصنوعی و هموارسازی واقعی را بر ارزش شرکت

بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که ارزش شرکت با بیشتر شدن هموارسازی مصنوعی کاهش و با افزایش هموارسازی واقعی افزایش می‌یابد. آنها بیان کردند که شرکت‌ها می‌توانند با هموارسازی واقعی آگاهی بخشی سود شرکت را افزایش دهند و هزینه‌های نمایندگی شرکت را کاهش دهند [۲۰].

آیتریدینز (۲۰۱۰) اثر پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری مالی (IFRS) بر کیفیت ارقام گزارش شده حسابداری را بررسی کرد. همچنین در این مقاله ارتباط اطلاعات صورت‌های مالی تهیه شده بر اساس IFRS با ارزش شرکت نیز مطالعه شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد اجرای استانداردهای بین المللی حسابداری کیفیت ارقام حسابداری را بهبود بخشیده و آزادی عمل در مدیریت سود را کاهش داده است که این امر به دلیل شناسایی بموقع زیان است و در نتیجه، به گزارش اطلاعات حسابداری که ارتباط بیشتری با ارزش دارند، منجر می‌شود. در این تحقیق پیشنهاد شده است که عدم تقارن اطلاعاتی کمتر و دستکاری کمتر سود به افشای اطلاعات مالی با کیفیت بالاتر و آگاهی بخش تر منجر می‌شود و در نتیجه به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند قضاوت‌های آگاهانه و غیرجانبدارانه انجام دهند [۲۱].

قائم و دیگران (۱۳۸۲) به این نتیجه دست یافتند که هموارسازی سود را نمی‌توان به عنوان عامل مؤثر بر بازده‌های غیر عادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران دانست [۵]. نتایج تحقیق سمائی (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۰٪ شرکت‌هایی که هموارسازی سود انجام

می‌دهند، به طور میانگین بازده غیر نرمال بیشتری دارند [۴].

خواجه‌وی و ناظمی (۱۳۸۴) نقش اقلام تعهدی در کیفیت سود را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که میانگین بازده سهام شرکت‌ها تحت تاثیر میزان اقلام تعهدی و اجزای مربوط به آن قرار نمی‌گیرد [۳]. برقی (۱۳۸۵) به این نتیجه دست یافت که در بورس اوراق بهادار تهران با افزایش خطای برآورد اقلام تعهدی، کیفیت سود کاهش می‌یابد [۱]. نتایج تحقیق مهرانی و عارف منش (۱۳۸۷) مبین این است که شرکت‌های هموارساز سودآوری کمتر، نسبت بدهی بالاتر و اقلام تعهدی بزرگتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز دارند [۷].

مرادی (۱۳۸۷) نشان داد که بین اهرم مالی و هموارسازی سود رابطه معنی دار منفی وجود دارد و در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد بالاتری دارند، رابطه معنی دار منفی بیشتری وجود دارد [۶]. نتایج تحقیق هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که هموارسازی سود توانایی سود در پیش بینی سود و جریان‌های نقدی عملیاتی آتی را افزایش می‌دهد، در حالی که توانایی مذکور در پیش بینی اقلام تعهدی از طریق هموارسازی سود افزایش نمی‌یابد [۹].

نوروش و حبیبی (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت افشا و بموقع بودن) و مدیریت سود در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه معنی دار بین بموقع بودن افشای شرکتی و مدیریت سود است [۸].

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین شرکت‌های با کیفیت سود و بدون کیفیت سود از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت و غیر هموارساز سود با کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معنی داری وجود دارد.
۴. بین شرکت‌های هموارساز سود بدون کیفیت و غیر هموارساز سود بدون کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت و هموارساز سود بدون کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.
۶. بین شرکت‌های غیر هموارساز سود با کیفیت و غیر هموارساز سود بدون کیفیت از لحاظ ارزش شرکت تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع همبستگی بوده و اطلاعات تاریخی شرکتها از نرم افزارهای دنا سهم و تدبیرپرداز استخراج شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره داده‌های ترکیبی (ترکیب داده‌های سری زمانی و مقطع زمانی) استفاده و کلیه آزمون‌ها با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است. قلمرو تحقیق شامل یک دوره زمانی هشت ساله بر مبنای گزارش‌های مالی منتشره در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ است. شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که سال مالی آنها ۲۹ اسفند هر سال است، جامعه آماری مورد مطالعه

است که شامل ۲۱۶ شرکت است. با استفاده از فرمول زیر حجم نمونه ۷۴ شرکت تعیین شد و برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد.

$$n = \frac{NZ^2 \alpha/2(p)(1-p)}{e^2 N + Z^2 \alpha/2(p)(1-p)}$$

$$e = 0/1$$

سؤال این تحقیق، این است که آیا شرکتی که تغییرات و نوسان‌های سود آن کم است، حتماً ارزش یا قیمت سهام بالاتری دارد؟ برای آزمون فرضیه اول، شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز سود و برای آزمون فرضیه دوم به دو گروه شرکت‌های سود با کیفیت و شرکت‌های سود بدون کیفیت تقسیم می‌شوند و سپس برای آزمون فرضیات سوم، چهارم، پنجم و ششم، شرکت‌های نمونه به چهار گروه شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت (گروه ۱)، غیر هموارساز سود با کیفیت (گروه ۲)، هموارساز سود بدون کیفیت (گروه ۳) و غیر هموارساز سود بدون کیفیت (گروه ۴) تفکیک می‌شوند و رابطه سود گزارش شده و قیمت سهام (ارزش شرکت) این شرکت‌ها آزمون می‌شود.

تفکیک شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز

برای تفکیک شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز از شاخص ایکل [۱۸] استفاده شده است؛ به این ترتیب که:

$$D_f = CV_{\Delta Li} / CV_{\Delta Si}$$

D_f : شاخص هموارسازی سود، $CV_{\Delta Li}$ بیانگر ضریب تغییرات نوسان در سری زمانی سود و $CV_{\Delta Si}$ بیانگر ضریب تغییرات نوسان در سری

زمانی فروش است و ضریب تغییرات از تقسیم واریانس بر میانگین به دست می‌آید.

اگر $D_t < 1$ باشد، شرکت هموارکننده مصنوعی سود خواهد بود و در غیر این صورت، هموارسازی صورت نگرفته است.

کوتاری (۱۹۹۲) نشان داد رابطه مثبت و معنی داری بین قیمت سهام و سود، همچنین بین تغییرات قیمت سهام و تغییرات سود وجود دارد. وی نشان داد که با ورود متغیر مجازی در رگرسیون می‌توان ضریب P/E و Pc/Ec دو گروه را با هم مقایسه کرد و همچنین باید متغیرهای دیگری مانند اندازه شرکت و نسبت بدهی که ممکن است بر رابطه قیمت و سود تاثیر گذارد، به عنوان متغیرهای کنترل در معادله رگرسیون وارد شود [۱۱].

برای آزمون فرضیه اول از دو معادله رگرسیون زیر که در سال ۲۰۰۴ توسط بائو و بائو به کار گرفته شد، استفاده می‌شود:

(۱)

$$P_t = \alpha_1 + \beta_1 E_t + \beta_2 (DS \times E_t) + \beta_3 (E_t \times DETA_t) + \beta_4 (E_t \times size) + \varepsilon_t$$

P_t : قیمت آخر دوره هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم (قیمت هر سهم نرمال شده) (شاخصی از ارزش شرکت)

E_t : سود آخر دوره هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم (سود هر سهم نرمال شده)

DS : یک متغیر مجازی است و برای شرکت‌های هموارساز برابر ۱ و برای شرکت‌های غیر هموارساز برابر صفر است.

$DETA_t$: نسبت بدهی به کل دارایی‌ها برای سال t

Size: بیانگر اندازه شرکت و برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها برای سال t

(۲)

$$PC_t = \alpha_1 + \beta_1 EC_t + \beta_2 (DS \times EC_t) + \beta_3 (EC_t \times DETA_t) + \beta_4 (EC_t \times size) + \varepsilon_t$$

PC_t : تغییر در قیمت هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم (شاخصی از تغییرات ارزش)

EC_t : تغییر در سود هر سهم تقسیم بر قیمت اول دوره هر سهم

اگر متغیرهای کنترل نسبت بدهی و اندازه شرکت را در نظر نگیریم، برای گروه اول؛ یعنی گروه هموارساز داریم:

$$E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_2) E(E_t)$$

و برای گروه دوم؛ یعنی گروه غیر هموارساز داریم:

$$E(P_t) = \alpha_1 + \beta_1 E(E_t)$$

بنابراین، تفاوت دو گروه $\beta_2 E(E_t)$ است. اگر β_2 مثبت و معنی دار باشد؛ یعنی ضریب P/E برای شرکت‌های هموارساز بزرگتر از آن ضریب برای شرکت‌های غیر هموارساز است؛ یعنی ارزش شرکت‌های هموارساز بیشتر از شرکت‌های غیر هموارساز است و اگر β_2 منفی و معنی دار باشد، به این معناست که ارزش شرکت‌های هموارساز از شرکت‌های غیر هموارساز کمتر است [۱۱].

تفکیک شرکت‌ها از لحاظ کیفیت سود

برای تقسیم شرکت‌ها به شرکت‌های با سود با کیفیت و بدون کیفیت، از روشی که اسلون [۲۶] در سال ۱۹۹۶ به کار برد استفاده شد؛ بدین ترتیب که: محتوای نقدی سود با تقسیم وجه نقد حاصل از عملیات برای هر سهم به سود هر سهم محاسبه می‌شود. در صورتی که برای هر کدام از سال‌های

سود با کیفیت (گروه ۲)، هموارساز سود بدون کیفیت (گروه ۳) و غیر هموارساز سود بدون کیفیت (گروه ۴) تفکیک می شوند و برای آزمون فرضیات سوم، چهارم، پنجم و ششم از معادلات رگرسیونی زیر استفاده می شود:

$$P_t = \alpha_1 + \beta_1 E_t + \beta_2 (G1 \times E_t) + \beta_3 (G2 \times E_t) + \beta_4 (G3 \times E_t) + \beta_5 (E_t \times DETA_t) + \beta_6 (E_t \times size) + \varepsilon_t \quad (5)$$

$$PC_t = \alpha_1 + \beta_1 EC_t + \beta_2 (G1 \times EC_t) + \beta_3 (G2 \times EC_t) + \beta_4 (G3 \times EC_t) + \beta_5 (EC_t \times DETA_t) + \beta_6 (EC_t \times size) + \varepsilon_t \quad (6)$$

G1: برای گروه ۱ برابر ۱ و برای سایر گروه ها صفر است؛

G2: برای گروه ۲ برابر ۱ و برای سایر گروه ها صفر است؛

G3: برای گروه ۳ برابر ۱ و برای سایر گروه ها صفر است.

منطق استفاده از سه متغیر مجازی در این معادله بر این اساس است که گروه چهارم گروه مبناست. اگر گروه ۱ را در نظر بگیریم، داریم: $E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_2)E(E_t)$ که تفاوت گروه ۱ و ۴ در β_2 است. اگر β_2 مثبت و معنی دار باشد یعنی ارزش شرکت های گروه ۱ از ارزش شرکت های گروه ۴ بیشتر است و بالعکس. اگر گروه ۲ را در نظر بگیریم، داریم: $E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_3)E(E_t)$ که تفاوت گروه ۲ و ۴ در β_3 است. اگر β_3 مثبت و معنی دار باشد؛ یعنی ارزش شرکت های گروه ۲ از ارزش شرکت های گروه ۴ بیشتر است و بالعکس و اگر گروه ۳ را در نظر بگیریم، داریم: $E(P_t) = \alpha_1 + (\beta_1 + \beta_4)E(E_t)$ که تفاوت

۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶: ۱) شرکتی که محتوای نقدی سود آن از میانگین محتوای نقدی سود شرکت های نمونه بیشتر باشد؛ ۲) وجه نقد عملیاتی هر سهم مثبت باشد و ۳) سود هر سهم مثبت باشد، به عنوان شرکت با سود با کیفیت در نظر گرفته می شود.

برای تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه دوم از دو معادله رگرسیون زیر استفاده می شود که در سال ۲۰۰۴ توسط بائو و بائو به کار گرفته شد:

$$P_t = \alpha_1 + \beta_1 E_t + \beta_2 (DQ \times E_t) + \beta_3 (E_t \times DETA_t) + \beta_4 (E_t \times size) + \varepsilon_t \quad (3)$$

DQ: یک متغیر مجازی است و برای شرکت های سود با کیفیت برابر ۱ و برای شرکت های سود بدون کیفیت برابر صفر است.

(۴) $PC_t = \alpha_1 + \beta_1 EC_t + \beta_2 (DQ \times EC_t) + \beta_3 (EC_t \times DETA_t) + \beta_4 (EC_t \times size) + \varepsilon_t$ تحلیل این معادلات نیز مشابه معادلات رگرسیونی قبلی است؛ یعنی چنانچه β_2 مثبت و معنادار باشد؛ یعنی ضریب P/E برای شرکت های سود با کیفیت بزرگتر از آن ضریب برای شرکت های با سود بدون کیفیت است؛ یعنی ارزش شرکت هایی که کیفیت سود آنها بالاتر است، بیشتر از شرکت هایی است که سود آنها بدون کیفیت است و اگر β_2 منفی و معنی دار باشد، به این معناست که ارزش شرکت های با سود با کیفیت، از شرکت های با سود بدون کیفیت کمتر است [۱۱].

تفکیک شرکت ها به چهار گروه

شرکت های نمونه به چهار گروه شرکت های هموارساز سود با کیفیت (گروه ۱)، غیر هموارساز

مبنا انتخاب می‌شوند و همین تجزیه و تحلیل انجام می‌شود. [۱۱]

یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی در نگاره‌های ۱، ۲ و ۳ و نتایج آمار تحلیلی در نگاره‌های ۴ تا ۷ نشان داده شده است.

گروه ۳ و ۴ در β_4 است. اگر β_4 مثبت و معنی‌دار باشد؛ یعنی ارزش شرکت‌های گروه ۲ از ارزش شرکت‌های گروه ۴ بیشتر است و بالعکس. بار دیگر گروه ۳ به عنوان گروه مبنا قرار می‌گیرد و در معادلات فوق به جای $G3$ ، $G4$ قرار می‌گیرد که این متغیر برای گروه ۴ برابر ۱ و برای سایر گروه‌ها صفر است. سپس به ترتیب گروه ۲ و ۱ نیز به عنوان گروه

نگاره شماره ۱: نتایج آمار توصیفی شرکت‌های هموارساز سود و غیر هموارساز

متغیر	شاخص آماری	تعداد مشاهدات	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
سود هر سهم	شرکت‌های هموارساز	۴۹۹	۹۷۲/۸۱	-۳۲۴۸/۲	۱۰۴۶۳/۹۱	۱۴۷۰/۸
	شرکت‌های غیر هموارساز	۶۳	۱۴۲۳/۳۹	-۴۲۷/۷۸	۷۰۸۴/۹	۱۸۱۲/۴۵
قیمت هر سهم	شرکت‌های هموارساز	۴۹۹	۶۶۹۸/۳۹	۶۲۷	۱۸۰۷۹	۱۵۳۷/۰۶
	شرکت‌های غیر هموارساز	۶۳	۳۷۷۴/۹۴	۴۲۰	۱۰۵۰۲	۲۰۹۴/۶۳
نسبت بدهی به کل دارایی‌ها	شرکت‌های هموارساز	۴۹۹	۰/۷۳۷۵	۰/۰۰	۲/۹۱	۰/۲۵
	شرکت‌های غیر هموارساز	۶۳	۰/۶۳	۰/۰۹	۱	۰/۱۹
اندازه شرکت	شرکت‌های هموارساز	۴۹۹	۱۲/۷۸	۹/۲۷	۱۸/۰۶	۱/۵
	شرکت‌های غیر هموارساز	۶۳	۱۲/۰۴	۸/۲	۱۵/۱۴	۱/۷۹

نگاره شماره ۲: نتایج آمار توصیفی شرکت‌های با سود با کیفیت و شرکت‌های با سود بدون کیفیت

متغیر	شاخص آماری	تعداد مشاهدات	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
سود هر سهم	شرکت‌های با سود باکیفیت	۸۳	۵۱۸/۵۶	۰/۶۷	۵۳۰۶/۹۴	۷۱۰/۸۶
	شرکت‌های با سود بدون کیفیت	۴۷۹	۱۱۱۰/۷۸	-۳۲۴۸/۲۰	۱۰۴۶۳/۹۱	۱۶۰۱/۷۵
قیمت هر سهم	شرکت‌های با سود باکیفیت	۸۳	۵۶۱۵/۲۵	۱۰۰۰	۱۷۶۵۲	۳۰۷۳/۴۸
	شرکت‌های با سود بدون کیفیت	۴۷۹	۲۹۰۰/۲۷	۴۲۰	۱۰۵۰۲	۲۷۸۶/۶۳
نسبت بدهی به کل دارایی‌ها	شرکت‌های با سود باکیفیت	۸۳	۰/۷۳۵۶۰	۰/۰۹	۰/۸۷	۰/۱۷۴۱۴
	شرکت‌های با سود بدون کیفیت	۴۷۹	۰/۷۲۳۶۰	۰	۲/۹۱	۰/۲۵۶۷۸
اندازه شرکت	شرکت‌های با سود باکیفیت	۸۳	۱۲/۹۶	۰/۰۰۳۸	۳۷/۶	۲/۲۰
	شرکت‌های با سود بدون کیفیت	۴۷۹	۱۲/۹	۸/۲۶	۱۸/۰۶	۱/۵۶

نگاره شماره ۳: نتایج آمار توصیفی چهار گروه شرکت ها

متغیر شاخص آماری	تعداد مشاهدات	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
سود هر سهم	گروه ۱	۵۶۶/۵۸	۱۰/۹۹	۵۳۰۶/۹۴	۷۵۴/۰۲
	گروه ۲	۲۳۴/۴۸	۰/۶۶۷	۶۱۱/۷۴	۲۱۴/۴۳
	گروه ۳	۱۰۴۰/۱۹۹	-۳۲۴۸/۲	۱۰۴۶۳/۹۱	۱۵۴۸/۴۶۷
	گروه ۴	۱۷۰۳/۱۳۱	-۴۲۷/۷۷۸	۷۰۸۴/۹	۱۹۰۸/۹۸
قیمت هر سهم	گروه ۱	۷۹۰۹	۱۰۰۰	۱۷۶۵۲	۲۵۴۶
	گروه ۲	۶۸۸۰/۴	۹۰۵	۱۵۳۴۱	۱۹۹۲
	گروه ۳	۴۱۶۱/۱۵۴	۶۲۷	۱۸۰۷۹	۳۱۲۴/۶۷
	گروه ۴	۱۴۱۰/۰۶	۴۲۰	۱۰۵۰۲	۲۲۱۸/۱۶
نسبت بدهی به کل دارایی ها	گروه ۱	۰/۷۶۲۵	۰/۴۶۵۶	۰/۸۹۶	۰/۱۴۱۲
	گروه ۲	۰/۵۷۶۲	۰/۰۸۷۹	۰/۸۸۹	۰/۲۵۸۶
	گروه ۳	۰/۷۳۳۳	۰/۰۶۲	۲/۹۱۰۷	۰/۲۶۳۷
	گروه ۴	۰/۶۴۱۷	۰/۱۲۸۳	۰/۹۹۸	۰/۱۷
اندازه شرکت	گروه ۱	۱۲/۹۳۸	۹/۹۰۲	۱۷/۹۷۸۶	۱/۸۹۰۳
	گروه ۲	۱۱/۲۰۵۵	۸/۱۹۵	۱۵/۱۳۶	۲/۲۱۶۲
	گروه ۳	۱۲/۷۵۱	۹/۲۷۱	۱۸/۰۶۴	۱/۴۲۶
	گروه ۴	۱۲/۲۳۶	۸/۲۵۶	۱۴/۹۸۳	۱/۶۴۴

استفاده از رگرسیون خطی در صورتی میسر است که مفروضات آن رعایت شود که این مفروضات بررسی شده و بر اساس آزمون های صورت گرفته شرایط برای استفاده از رگرسیون خطی امکان پذیر است. از جمله استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده توسط معادله رگرسیون) با استفاده از آزمون دوربین واتسون و همچنین همسانی واریانس خطاها با استفاده از آزمون لون (levene) مد نظر قرار گرفت. در صورتی که سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر باشد، فرض صفر مبنی بر تساوی واریانس خطاها پذیرفته می شود. نتایج

مربوط به آزمون های دوربین واتسون و لون هر مدل در جداول مربوطه گزارش شده است.

نگاره شماره ۴ نتایج رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت های هموارساز و غیر هموارساز را نشان می دهد.

همان طور که در نگاره ۴ مشخص است، سود (تغییرات سود) رابطه مثبت و معنی داری با قیمت سهام (تغییرات قیمت سهام) دارد؛ یعنی هر چه سود بیشتر باشد، بازار ارزش بیشتری برای سهام آن شرکت قایل هست. ضریب رگرسیون برای متغیر شاخص هموارسازی ($DS \times E$) مثبت و معنی دار است و بدین معناست که شرکت های هموارساز

تغییرات آن رابطه منفی و معنی دار دارد و نهایتاً نتایج نشان دهنده این است که اندازه شرکت با ارزش شرکت رابطه منفی و معنی دار و با تغییرات ارزش رابطه مثبت و معنی داری دارد.

به طور کلی، نتایج در هر دو سطح سود، و تغییرات سود، حاکی از این است که بدون در نظر گرفتن کیفیت سود، شرکت‌های هموارساز ارزش بالاتری نسبت به شرکت‌های غیرهموارساز دارند.

سود دارای ضریب P/E بالاتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز هستند. به عبارت دیگر، شرکت‌های هموارساز ارزش بیشتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز دارند. ضریب رگرسیون برای متغیر $DS \times EC$ نیز مثبت و معنی دار است؛ یعنی تغییرات قیمت (ارزش) شرکت‌های هموارساز نسبت به تغییرات قیمت (ارزش) شرکت‌های غیر هموارساز بیشتر بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که نسبت بدهی به کل دارایی‌ها با ارزش شرکت و

نگاره شماره ۴: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز

متغیر	سود			تغییرات سود		
	ضریب متغیر	آماره t	معناداری	ضریب متغیر	آماره t	معناداری
مقدار ثابت	۰/۸۰۵	۳۷/۵۵۹	۰/۰۰۰	۰/۱۱۱	۰/۶۵۲	۰/۵۱۴
E	۴/۳۲۵	۷/۵۲۲	۰/۰۰۰			
EC				۱/۰۸۹	۲/۳۲۳	۰/۰۲۱
$DS \times E$	۰/۴۵۸	۲/۱۴۴	۰/۰۳۲			
$DS \times EC$				۰/۳۹۹	۲/۰۸۷	۰/۰۳۷
$E \times DETA$	-۰/۶۲۴	-۸/۶۰۴	۰/۰۰۰			
$EC \times DETA$				-۲/۰۲۵	-۸/۴۱۸	۰/۰۰۰
$E \times SIZE$	-۰/۲۶	-۵/۵۴۶	۰/۰۰۰			
$EC \times SIZE$				۰/۳۰۷	۱۳/۲۹۴	۰/۰۰۰
	$R^2 = ۰/۳۰۱$ $F = ۵۹/۴۱۱$ $D.W = ۱/۸۳۸$			$R^2 = ۰/۴۵۵$ $F = ۱۲۱/۴۲۹$ $D.W = ۲/۴۲۹$		
آزمون لون	$F = ۱/۲۳۲$ $Sig = ۰/۲۹۲$			$F = ۱/۴۵۲$ $Sig = ۰/۳۱۵$		

همان‌طور که در نگاره شماره ۵ مشخص است، سود (تغییرات سود) رابطه مثبت و معنی داری با قیمت سهام (تغییرات قیمت) دارد. ضریب رگرسیون برای متغیر شاخص $(DQ \times EC)$ مثبت و معنی دار

نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت‌های با سود با کیفیت و سود بدون کیفیت در نگاره شماره ۵ نشان داده شده است.

است. بنابراین، شرکت‌های با سود با کیفیت ضریب P/E بالاتری نسبت به شرکت‌های با سود بدون کیفیت دارند. همچنین، ضریب متغیر شاخص $(DQ \times EC)$ مثبت و معنی دار است. بنابراین، شرکت‌های با سود با کیفیت دارای ضریب PC/EC (تغییرات قیمت ارزش به تغییرات سود) بالاتری نسبت به شرکت‌های با سود بدون کیفیت هستند.

نگاره شماره ۵: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای دو گروه شرکت‌های با سود با کیفیت و شرکت‌های با سود بدون کیفیت

تغییرات سود			سود			متغیر
معناداری	آماره t	ضریب متغیر	معناداری	آماره t	ضریب متغیر	
۰/۴۷۱	۰/۷۲۱	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۶۹/۵۳۴	۰/۷۵۲	مقدار ثابت
			۰/۰۰۰	۷/۰۷۰	۲/۱۲۳	E
۰/۰۰۵	۲/۸۴۴	۱/۳۸۹				EC
			۰/۰۰۴	۲/۹۱۶	۰/۳۷۹	$DQ \times E$
۰/۰۲۸	۲/۲۰۹	۰/۵۶۷				$DQ \times EC$
			۰/۰۰۰	-۱۲/۷۸۶	-۰/۳۹۷	$E \times DETA$
۰/۰۰۰	-۱۶/۸۴۴	-۱/۵۳۷				$EC \times DETA$
			۰/۰۰۰	-۴/۵۷۹	-۰/۱۰۵	$E \times SIZE$
۰/۰۰۰	۷/۵۱۸	۰/۲۴				$EC \times SIZE$
$R^2 = ۰/۴۵۴$ $F = ۱۲۰/۹۲۲$ $D.W = ۲/۴۲۸$			$R^2 = ۰/۴۵۷$ $F = ۶۴/۴۷۸$ $D.W = ۱/۹۹۴$			
$F = ۲/۱۲۵$ $Sig = ۰/۱۹$			$F = ۱/۸۵۴$ $Sig = ۰/۲۵$			آزمون لون

است. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره در سطح سود و تغییرات سود برای چهار گروه به ترتیب در نگاره‌های شماره ۶ و ۷ آورده شده است.

به طور کلی، نتایج در هر دو سطح سود و تغییرات سود، حاکی از این است که بدون در نظر گرفتن هموارسازی سود ارزش شرکت‌های با سود با کیفیت، بالاتر از شرکت‌های با سود بدون کیفیت

نگاره شماره ۶: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای چهار گروه در سطح سود

G1			G2			G3			G4			گروه پایه
معناداری	آماره	ضریب متغیر	معناداری	آماره	ضریب متغیر	معناداری	آماره	ضریب متغیر	معناداری	آماره	ضریب متغیر	متغیر
۰/۰۰۰	۴۶/۷۹۹	۰/۷۷۳	۰/۰۰۰	۴۶/۷۹۹	۰/۷۷۳	۰/۰۰۰	۴۶/۷۹۹	۰/۷۷۳	۰/۰۰۰	۴۶/۷۹۹	۰/۷۷۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۵۳۱	۳/۰۲۸	۰/۰۰۰	۵/۹۰۵	۳/۷۴۵	۰/۰۰۰	۵/۴۳۹	۲/۶۲۱	۰/۰۰۰	۴/۳۱۲	۲/۵۰۷	E
			۰/۰۶۱	۱/۹۸۳	۲/۸۵۰	۰/۰۸۳	۱/۷۳۵	۰/۴۰۷	۰/۰۰۳	۲/۹۹۸	۰/۸۴۸	G1×E
۰/۰۶۱	-۱/۹۸۳	-۲/۸۵۰				۰/۱۸۲	۱/۰۷۴	۱/۲۳۱	۰/۱۰۹	۱/۴۵۷	۱/۶۳۵	G2×E
۰/۰۸۳	-۱/۷۳۵	-۰/۴۰۷	۰/۱۸۲	-۱/۰۷۴	-۱/۲۳۱				۰/۰۱۱	۲/۵۳۷	۰/۴۴۱	G3×E
۰/۰۰۳	-۲/۹۹۸	-۰/۸۴۸	۰/۱۰۹	-۱/۴۵۷	-۱/۶۳۵	۰/۰۱۱	-۲/۵۳۷	-۰/۴۴۱				G4×E
۰/۰۰۰	-۸/۵۲۹	-۰/۴۶۷	۰/۰۰۰	-۸/۵۲۹	-۰/۴۶۷	۰/۰۰۰	-۸/۵۲۹	-۰/۴۶۷	۰/۰۰۰	-۸/۵۲۹	-۰/۴۶۷	E×data
۰/۰۰۱	-۳/۳۹۰	-۰/۱۲۹	۰/۰۰۱	-۳/۳۹۰	-۰/۱۲۹	۰/۰۰۱	-۳/۳۹۰	-۰/۱۲۹	۰/۰۰۱	-۳/۳۹۰	-۰/۱۲۹	E×size
$R^2 = ۰/۱۹۷$ $D.W = ۲/۰۱۴$												
F = ۲/۰۷۸ Sig = ۰/۲۲												آزمون لون

نتایج تجزیه و تحلیل در سطح تغییرات سود در
نگاره شماره ۷ نشان داده شده است. تجزیه و تحلیل
نگاره ۷ نیز مشابه تجزیه و تحلیل نگاره ۶ است.

طبق نگاره ۶، نتایج اولین معادله رگرسیون که گروه ۴ به عنوان گروه پایه انتخاب شد، نشان می دهد سود با قیمت سهام رابطه مثبت و معنی دار دارد. تمام گروه ها ضریب P/E بزرگتر از گروه ۴ دارند و ضرایب گروه ۱ و ۳ مثبت و معنی دار است. در دومین رگرسیون گروه ۳ به عنوان گروه پایه استفاده شد. نتایج بیان می کند سود با قیمت سهام رابطه مثبت و معنی دار دارد و ضرایب P/E گروه های ۱ و ۲ بزرگتر از گروه ۳ و ضریب P/E گروه ۴ کوچکتر از گروه ۳ است و این ضرایب برای گروه ۱ مثبت و معنی دار و برای گروه ۴ منفی و معنی دار است و ضریب P/E گروه ۲ تفاوت معنی داری با ضریب P/E گروه ۳ ندارد. سومین معادله رگرسیون (گروه

نگاره شماره ۷: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای چهار گروه در سطح تغییرات سود

G1			G2			G3			G4			گروه پایه
متغیر	ضریب متغیر	آماره	متغیر	ضریب متغیر	آماره	متغیر	ضریب متغیر	آماره	متغیر	ضریب متغیر	آماره	متغیر
مقدار ثابت	۰/۰۲۳	۰/۹۱۲	۰/۳۶۲	۰/۹۱۲	۰/۰۲۳	۰/۳۶۲	۰/۹۱۲	۰/۰۲۳	۰/۳۶۲	۰/۹۱۲	۰/۰۲۳	۰/۳۶۲
EC	۴/۷۶۵	۴/۳۵۹	۰/۰۰۰	۴/۶۶۵	۴/۷۱۹	۰/۰۰۰	۴/۶۷۳	۷/۹۳۹	۰/۰۰۰	۵/۷۴۷	۶/۱۴۵	۰/۰۰۰
G1×EC	۰/۵۳۱	۰/۹۲۶	۰/۰۳۵	۰/۶۳۱	۲/۵۰۶	۰/۰۱۳	۲/۶۲۱	۱/۶۷۵	۰/۰۶۸			
G2×EC	۳/۱۷۳	۲/۰۳۱	۰/۰۴۳	۲/۹۷۸	۱/۹۱۱	۰/۰۵۷						
G3×EC	۰/۷۸۹	۲/۰۵۶	۰/۰۴									
G4×EC												
E×deta	-۱/۴۸۹	-۱۱/۶۴۱	۰/۰۰۰	-۱/۴۸۹	-۱۱/۶۴۱	۰/۰۰۰	-۱/۴۸۹	-۱۱/۶۴۱	۰/۰۰۰	-۱/۴۸۹	-۱۱/۶۴۱	۰/۰۰۰
E×size	۰/۱۲۴	۲/۳۴۰	۰/۰۲۰	۲/۳۴۰	۲/۱۲۴	۰/۰۲۰	۲/۳۴۰	۲/۱۲۴	۰/۰۲۰	۲/۳۴۰	۲/۱۲۴	۰/۰۲۰
$R^2 = ۰/۴۴۴$ $D.W = ۲/۳۵۴$												آزمون لون
$F = ۲/۱۰۵$ $Sig = ۰/۲۴$												

نتیجه گیری:

با توجه به نقش سود گزارش شده در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، کیفیت و مدیریت آن توجه ویژه‌ای را از سوی سرمایه‌گذاران، همچنین استانداردگذاران و کارگزاران بورس اوراق بهادار می‌طلبد. کیفیت بالای سود باعث می‌شود ارزش واقعی واحد تجاری به اطلاع سرمایه‌گذاران برسد و بازار سرمایه گسترش یابد. همچنین هدف چارچوب نظری حسابداری مبنی بر ارائه اطلاعات مفید جهت تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برآورده می‌شود.

نتایج حاصل از تفکیک شرکت‌ها به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن کیفیت سود، شرکت‌های هموارساز سود، ارزش بالاتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز سود دارند که با نتایج تحقیق سمایی (۱۳۸۲)، چنی و جیتر (۱۹۹۷)، توماس و ژانگ (۲۰۰۲)، دکو و اسکرند (۲۰۰۴)، بائو و بائو (۲۰۰۴)، چان و دیگران (۲۰۰۶) و هانگ و دیگران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. تفکیک شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های با سود با کیفیت و شرکت‌های با سود بدون کیفیت نشان داد که بدون در نظر گرفتن هموارسازی سود، شرکت‌هایی که دارای سود گزارش شده با کیفیت هستند، ارزش بالاتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که سود بدون کیفیت گزارش می‌کنند. این مطلب با نتایج تحقیق بائو و بائو (۲۰۰۴)، دهالیوال و ژنلی (۲۰۰۸) و آیت‌ریدینز (۲۰۱۰) همخوانی دارد. نهایتاً شرکت‌ها به چهار گروه تفکیک شدند و نتایج آزمون نشان می‌دهد که شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت، بیشترین ارزش و شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت، کمترین ارزش را در

بورس اوراق بهادار تهران دارند. به طور کلی، نتایج این تحقیق با تحقیق بائو و بائو (۲۰۰۴) همخوانی دارد.

پیشنهادهای کاربردی:

۱. با توجه به نتایج تحقیق و با توجه به تاثیر هموارسازی سود و کیفیت سود بر ارزش شرکت به مسؤولان سازمان بورس اوراق بهادار و دانشگاهیان توصیه می‌شود زمینه‌های آشنایی بیشتر سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان با این دو پدیده را فراهم کنند و به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران و سایر ذی‌نفعان پیشنهاد می‌شود در تحلیل‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری خود هموارسازی و کیفیت سود را نیز لحاظ کنند.

۲. با توجه به تاثیر تحلیل‌گران و واسطه‌های مالی در افزایش شفافیت قیمت سهام و اطلاعات مالی، تدابیری اندیشیده شود تا زمینه ورود بیشتر آنها در معاملات سهام فراهم شود.

پیشنهادهای تحقیقات آتی

به علاقه‌مندان در این زمینه موضوع‌های زیر برای تحقیق و بررسی پیشنهاد می‌شود:

۱. بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت سود مانند حاکمیت شرکتی؛
۲. بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود مانند امنیت شغلی، ریسک، سودآوری شرکت و ...؛
۳. بررسی سایر معیارهای تفکیک شرکت‌ها از لحاظ هموارسازی و کیفیت سود؛
۴. بررسی تاثیر ریسک شرکت‌ها بر هموارسازی سود؛
۵. بررسی تاثیر نوع صنعت بر هموارسازی سود؛
۶. بررسی تاثیر نوع صنعت بر کیفیت سود؛

۷. بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در مقاطع زمانی رونق و رکود.
۷. مهرانی، کاوه و عارف منش، زهره. (۱۳۸۷). بررسی هموارسازی سود در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۵۱

منابع

۱. برقعی، زهرا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه خطای برآورد اقلام تعهدی با کیفیت اقلام تعهدی و ثبات سود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
۲. ثقفی، علی و کردستانی غلامرضا (۱۳۸۳). «بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۳۷.
۳. خواجهی، شکرالله و ناظمی، امین (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام با تاکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ش ۴۰
۴. سمائی، حسین. (۱۳۸۲). رابطه بین هموارسازی سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. قائمی، محمد حسین؛ قیطاسوند، محمود و توجکی محمود، (۱۳۸۲). تاثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۳۳
۶. مرادی، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین اهرم مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، ش ۲۴
۸. نوروش، ایرج و حسینی، سیدعلی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۵۵.
۹. هاشمی، سید عباس و صمدی، ولی الله. (۱۳۸۸). آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، ش ۱
10. Ball, R., Shivakumar, L. (2005). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. Retrieved March 14, 2006, from <http://www.ebsco.com>
11. Bao Ben-Hsine and Da-Hsien Bao, (2004). Income smoothing, earnings quality and firm valuation. Journal of business Finance & Accounting, 31(9)&(10)
12. Beaver, W.H. (2002), P/ErsP/Ectivws on recent capital market research. The Accounting Review (April)
13. Bellovary, J., Giacomino, D., Akers, M. (2006). A review of bankruptcy prediction studies: 1930 to present. Retrieved March 14, 2006, from <http://www.ebsco.com>
14. Chan, K, Chan, L, Jegadeesh, N. and J. Lakonishok (2006). earnings quality and stock returns. Journal of business, forthcoming.
15. Chaney Paul K and Debra C. Jeter, (1997). Income smoothing and firm characteristics. Accounting Enquiries ; 7(1)
16. Dechow, P. and Schrand, C. (2004). Earnings Quality. Charlottesville, VA, CFA Institute. Francis J, Lafond R, Olsson P, SchipP/Er K. (2002). The Market Pricing of Earnings Quality. from <http://www.ssrn.com>
17. Dhaliwal Dan, Zhenli Olive. (2008). Earning quality and the market response to dividend surprise. from www.ssrn.com

29. Yoon Soon Suk and Gary A. Miller. (2002). Cash from oP/Erations and earnings managemet in Korea. The International journal of accounting, 37
18. Eckel Norm, (1981). The income smoothing Hypothesis revisited. ABACUS, 14(1)
19. Healy M.Paul and James M.Wahlen,(1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. Accounting Horizons,13(4)
20. Huang Pinghsun, Zhang Yan , Deis R.Donald, Moffitt S. Jacquelyn. (2009). Do artificial income smoothing and real income smoothing contribute to firm value equivalently? Journal of Banking & Finance, 33
21. Iatridis George. (2010). International Financial Reporting Standards and the quality of financial statement information. International Review of Financial Analysis, 19 (2)
22. Kirschenheiter Michael and Melumad Nahum ,(2004). Earnings' quality and smoothing. From www.ssrn.com
23. Ronen Joshau and Simcha Sadan. (1981). Smoothing income numbers: Objectives , Means and Implications. Addision-Wesley PaP/Erback Series in Accounting
24. Rountree, B., J. Weston, G. Allayannis. (2008) “Do investors value smooth P/Erformance?” Journal of Financial Economics 90(3)
25. SchipP/Er, K. and Vincent, L. (2003). Earnings quality. Accounting Horizons,17
26. Sloan Richard G.(1996). Do Stock Prices Fully Reflect Information in Cash Flows and Accruals About Future Earnings?. The Accounting Review, 71 (3)
27. Thomas K Jacob and Huai Zhang. (2002). Value-relevant proP/Erties of amoothed earnings. from www.ssrn.com
28. Wan Nordin Wan-Hussin and Noraizan Ripain, (2003). IPO profil Gurantees and income smoothing. from <http://www.ssrn.com>